

## بررسی تطبیقی قرارداد نفتی ipc و قرارداد های سایر کشور

سجاد باقری<sup>۱</sup>، سید باقر میرعباسی<sup>۲</sup>، ابو محمد عسگر خانی<sup>۳</sup>

<sup>۱،۲،۳</sup>گروه حقوق بین الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

نویسنده مسئول: mirabbasi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۰ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

### چکیده

با گذشت زمان، نه تنها کشورهای در حال توسعه، بلکه کشورهای توسعه یافته نیز، در مسیر پیرفت اقتصادی با مسایل تازه‌یی روبه‌رو می‌شوند که راه حل آنها، تنها با ابزارهای نظری و عملی نو میسر است. به دلیل اهمیت نفت که یک منبع حیاتی است قراردادهای منعقد نفتی نیز از اهمیت خاصی برخوردار است، اینکه اکثر قرارداد های نفتی جنبه بین المللی دارد لذا این قرار دادها بویژه با توجه به تحولات سیاسی و اقتصادی در جهان درخور تغییرات و دگرگونی‌هایی بوده است که هر کدام از جنبه های خاصی حائز اهمیت و مطالعه می باشد یکی از جدیدترین و مؤثرترین ابزارهای اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی و بهره برداری در امور نفتی است که گذشته از تأمین سرمایه، عامل تعیین کننده نرخ رشد اقتصادی برای آینده نیز به شمار می‌آید. در نگاهی کلی مشاهده می گردد کلیه قرار دادهای بین المللی نفتی ایران در دو دسته اصلی تقسیم بندی و جای می گیرند. دسته اول موسوم به قرار دادهای "مشارکت در تولید Production Shairing" می‌باشند که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران منعقد می گردیده است و دسته دیگر از قرار دادها که پس از استقرار جمهوری اسلامی ایران با تشکیل وزارت نفت و به منظور حفظ، توسعه و بهره برداری ذخایر نفت و گاز انعقاد یافته که اینگونه از قرار دادهای نفت و گاز عمدتاً در قالب قرار دادهای خرید خدمات پیمانکاری بوده است ایران نیز به عنوان یک کشور در حال توسعه و یکی از تولیدکنندگان مهم نفت جهان برای تداوم رشد اقتصادی خود نیازمند جذب سرمایه خارجی است. و نیز در کشورهای دیگر با تکیه بر قراردادهای نوین و تضمین سود شرکتها توانسته در زمینه جذب سرمایه و سرمایه گذاری در بخش خارجی موفقیت‌های بدست آورد. در این مقاله که به صورت تحلیلی کتابخانه ای انجام شده بعد از بررسی قراردادهای نفتی و شرایط آن به این نتیجه دست خواهیم یافت که تأمین مالی آن بخش از دانش مالی است که روشهای مختلف را جهت جذب نقدینگی با بهترین ساختار و کمترین هزینه سرمایه، ابداع و یا مورد کنکاش قرار می دهد.

کلیدواژه: قراردادهای نفتی، ipc، قراردادهای نفتی عراق، جذب سرمایه گذاری

### مقدمه

به دلیل اهمیت نفت که یک منبع حیاتی است قراردادهای منعقد نفتی نیز از اهمیت خاصی برخوردار است، اینکه اکثر قرارداد های نفتی جنبه بین المللی دارد لذا این قرار دادها بویژه با توجه به تحولات سیاسی و اقتصادی در جهان درخور تغییرات و دگرگونی‌هایی بوده است که هر کدام از جنبه های خاصی حائز اهمیت و مطالعه می باشد، از بررسی ابتدایی ترین قرار داد های نفتی که تحت عنوان "امتياز Concession" با دولتهای صاحب نفت به امضاء می رسیده تا قرار دادهای متداول امروزی می‌تواند زوایای مختلف این قرار دادها را مشخص نماید، لذا این رساله بر آن است که به بررسی تطبیقی قرار دادهای بین المللی نفتی ایران با قرار دادهای نفتی سایر کشور ها بپردازد و ابعاد مهم حقوقی آنها را مشخص و مقایسه نماید، به منظور تحقق واقعی این بررسی تطبیقی ابتدائاً بر آن می‌باشم که به تعریف کلی و سپس بررسی ویژگی های قرار دادهای بین المللی نفتی در کلیه مراحل سه گانه اکتشاف، تولید و بهره برداری بپردازم، در راستای نیل به این مقصود به معرفی و بررسی ویژگیهای اقسام قرار داد های بین المللی نفتی ایران اقدام گردیده و از ابتدایی ترین قرار داد امتیاز نفتی که معروف به قرار داد داری منعقد به سال ۱۹۰۱ می باشد تا آخرین نوع قرار دادهایی که هم اکنون در صنعت نفت ایران متداول گشته و به قرار دادهای "بیع متقابل Buy Back" موسوم گردیده است را تحلیل نموده لذا بررسی و ارزیابی اینگونه قرار دادهای نفت و گاز از منظر حقوق بین الملل مد نظر قرار گرفته است. در نگاهی کلی مشاهده می گردد کلیه قرار دادهای بین المللی نفتی ایران در دو دسته اصلی تقسیم بندی و جای می گیرند. دسته اول موسوم به قرار دادهای "مشارکت در تولید Production Shairing" می‌باشند که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران منعقد می گردیده است و دسته دیگر از قرار دادها که پس از استقرار جمهوری اسلامی ایران با تشکیل وزارت نفت و به منظور حفظ، توسعه و بهره برداری ذخایر نفت و گاز انعقاد یافته که اینگونه از قرار دادهای نفت و گاز عمدتاً در قالب قرار دادهای خرید خدمات پیمانکاری بوده است، برای

نمونه می توان به قراردادهای توسعه میدان نفتی پارس جنوبی اشاره نمود فازهای متعدد آن در قالب عقد قرار دادهای بین المللی بیع متقابل تحت اجرا می باشد که مورد پژوهش و تحلیل قرار می گیرد. لازم به یاد آوری است برخلاف قرار دادهای مشارکت در تولید که هم اکنون بر اساس قوانین مصوب داخلی انعقاد آن ممنوع می باشد لیکن قرار دادهای خرید خدمات خارجیان موسوم به پیمانکاری که اولین بار در اوت ۱۹۶۶ ( مرداد ماه ۱۳۴۵ ) تحت عنوان " اراپ ERAP " بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت دولتی تحقیقات و فعالیتهای نفتی فرانسه منعقد گردید، هم اکنون نیز مشابه آن به عنوان خرید خدمات پیمانکاری منعقد می گردد، طی فصلهای متعدد علل اصلی عقد در قالب اینگونه قرار دادها و انواع آن ذکر می گردد، مزایا، معایب ویژگیهای این نوع جدید قراردادی که بیع متقابل نام گرفته است و از گونه قراردادهای خرید خدمات می باشد با قرار دادهایی از این دسته که تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی تحت عناوین دیگر منعقد می گردید مورد ارزیابی قرار گرفته است.

### ۱-۱ ماهیت حقوقی قرارداد IPC

همانطور که اشاره شد، قراردادهای نفتی را میتوان به سه دسته امتیازی، مشارکتی و خدماتی تقسیم نمود. در واقع اسامی بیع متقابل و IPC اسامی به اصطلاح ژنریک بوده و تحلیل حقوقی نمی شود؛ بنابراین سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که ماهیت حقوقی IPC چه بوده و این قرارداد جزو کدا میک از قراردادهای نفتی قرار م یگیرد؟ در کلیات مدل ارائه شده برای قرارداد IPC در سمینار «هم اندیشی نظام جدید قراردادهای صنعت نفت (تهران: اسفندماه ۱۳۹۲)» که برای نخستین بار از ساختار کلی و برخی شروط قرارداد نفتی جدید به وسیله «کمیته بازنگری قراردادهای نفتی» تحت عنوان «قرارداد نفتی ایران» رونمایی شد تدوی ن کنندگان این مدل قراردادی اعلام کردند قرارداد نفتی ایران پس از قراردادهای امتیاز، مشارکت در تولید و خدمت، به عنوان قرارداد نوع چهارم اعلام شده است؛ لکن با بررسی عناصر اصلی این قرارداد به ویژه نحوه بازیافت هزینه ها و دریافت حق الزحمه میبایست ماهیت این نوع قرارداد را تشخیص داد چرا که این قرارداد نهایتاً ترکیبی از قراردادهای رایج در صنعت جهانی نفت و گاز است. مثلاً عد های معتقدند قرارداد نفتی جدید ایران، مدل مشارکت در تولید با وصف مشارکت طرفین در اجرای عملیات نفتی ۱۸ است؛ افزون بر این، در قراردادهای مشارکت در تولید نیز معمولاً شرطی تحت عنوان «مشارکت دولت میزبان در عملیات نفتی»<sup>۲</sup> پیشبینی میشود که با اعمال این حق از سوی دولت؛ عملیات نفتی از عملیاتی انحصاری به عملیاتی مشترک تبدیل م یشود. مبعلاوه، در سمینار اسفند ۹۲ عنوان شده بود که هزینه های نفتی شامل هزینه های عملیات اکتشاف، توسعه و تولید از محل نفت هزینه های مستهلک خواهد شد. در این مدل نفت هزینه های به شرح ذیل تعریف شده است: «نفت هزینه ای بخشی از تولیدات تخصیص یافته به منظور دریافت هزینه های نفتی شامل کلیه هزینه های تعهد و پرداخت شده اکتشاف، توسعه، تولید، هزینه های پول به همراه حق الزحمه های توسعه و بهره برداری به وسیله متصدی اکتشاف، توسعه و تولید میدان برحسب مورد است.» بنا بر تعریف مذکور و نظر به اینکه این تعریف دربرگیرنده سازوکار بازیافت هزینه ها و حق الزحمه در قراردادهای مشارکت در تولید است، به نظر میرسد قرارداد جدید نفتی ایران نوع مخصوصی از قرارداد مشارکت در تولید است؛ به عبارت دیگر مطابق تعریف مزبور، هزینه های نفتی و حق الزحمه پیمانکار با تخصیص بخشی از تولیدات میدان به او تحت عنوان نفت هزینه ای مستهلک و پرداخت خواهند شد، امری که یکی از پایه های اصلی قراردادهای مشارکت در تولید محسوب میشود. (حاتمی، کریمیان، ۱۳۹۳، ۷۰۱) این در حالی است که در تصویب نامه مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۸ هیئت دولت در خصوص شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز سخنی از هزینه های فوق به میان نیامده و تنها دستمزد (Fee) به این صورت تعریف شده است: «رقمی میباشد که متناسب با هر بشکه تولید اضافی نفت خام از میدان ها مخزن نهایی گازی مستقل، حسب مورد هر بشکه میعانات گازی اضافی، ناشی از عملیات طرف دوم قرارداد تعیین میشود». با توجه به اینکه این دستمزد که از آن تحت عنوان Fee Per Barrel یاد م یشود بابت تولید اضافه بوده و به معنای حق الزحمه بابت اکتشاف و تولید نفت نیست، لذا میتوان این نوع از قرارداد خدمت را، همانند قراردادهای خدمت عراق، یک نوع «مشارکت در تولید کنترل شده» نامید. در قراردادهای خدمت عراق دولت متعهد شده است که هزینه ها و حق الزحمه را از طریق فروش نفت در نقطه تحویل به پیمانکاران پرداخت کند. پیمانکاران میتوانند نسبت به مقادیر معینی نفت ادعای استحقاق داشته باشند و این امر به آنها اجازه میدهد که بتوانند مقادیر نفت استحقاقی را ب هعنوان ذخایر در دفاتر شرکتی خود ثبت کنند. (شیروی، ۱۳۹۵، ۴۳۳-۴۳۴) البته در مدل جدید قرارداد نفتی ایران، از یک طرف به واسطه اختصاص بخشی از محصولات میدان (حداکثر ۵۰٪) به شرکت نفتی بین المللی، عملاً آن را به یک قرارداد مشارکت در تولید تبدیل کرده است. ولی از طرف دیگر از آنجا که برای شرکت نفتی بین المللی طرف قرارداد حق مالکیتی بر نفت استخراجی در نظر گرفته نشده و هزینه و عواید این شرکت صرفاً از منابع ناشی از فروش نفت مسترد میگردد، این نوع از قرارداد به قراردادهای خدمت نیز نزدیک م یگردد. بنابراین، این نوع

<sup>۱</sup> در پی دستور وزیر نفت مبنی بر ارائه پیشنهادات لازم برای ایجاد اصلاحات در مفاد و ساختار قراردادهای بیع متقابل با هدف حفظ هرچه بهتر منافع کشور و نیز تداوم حاکمیت ملی بر منابع هیدروکربوری با استفاده از تجارب صنعت نفت کشور و همچنین جلب سرمایه ها و فناوری های نوین، کمیته ای تحت عنوان (کمیته بازنگری در قراردادهای نفتی) به ریاست سیدمهدی حسینی تشکیل و متعاقب آن سمیناری تحت (هم اندیشی نظام جدید قراردادهای صنعت نفت) جهت رونمایی از کلیات مدل جدید قراردادی در اسفند ماه ۱۳۹۲ در تهران برگزار شد.

<sup>۲</sup> State Participation

قراردادهای خدمات را می‌توان یک نوع «مشارکت در تولید کنترل شده» نامید، زیرا در آن‌ها شرکت نفت بین المللی در بخشی از نفت شریک میشود. ولی میزان سهم آن از نفت تولیدی بر اساس دلار به ازای هر بشکه نفت تعیین میگردد. (همان)

### ۲-۱ اهداف الگوی قراردادی

زیر نفت به استناد ماده (۷) قانون حدود وظایف و اختیارات وزارت نفت، مصوب ۱۳۹۱، اصول این قراردادها را به هیئت وزیران پیشنهاد داد که در نهایت به تصویب این هیئت رسیده و در آبان ۱۳۹۴ به مجموعه وزارت نفت و شرکت ملی نفت ایران ابلاغ گردید. میتوان اهداف این الگوی قراردادی جدید موسوم به (IPC) به قرار ذیل است:

افزایش ظرفیت تولید نفت و گاز طبیعی کشور و حفظ و ارتقای جایگاه ایران در اوپک و بازار جهانی نفت و گاز طبیعی؛  
افزایش بهینه ظرفیتهای تولید نفت و گاز طبیعی به ویژه در میدانهای مشترک؛  
اجرای طرحهای اکتشاف، توصیف، توسعه و تولید و بهره برداری؛

اطمینان از حفظ و صیانت هرچه بیشتر از مخازن نفت و گاز طبیعی با تأکید بر افزایش ضریب بازیافت مخازن با به کارگیری، انتقال و ارتقای فناوری ملی و توانمندسازی ظرفیتهای داخلی؛

استفاده از شیوه‌های نوین در اکتشاف، توصیف، توسعه، تولید و بهره برداری از میدانهای نفتی و گازی؛

تشویق و حمایت از جذب و هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی به منظور توسعه میدانهای هیدروکربوری کشور با درجات مختلف خطرپذیری؛  
اکتشاف، توسعه، تولید و بهره برداری از میدانها، با استفاده از ظرفیت شرکتهای صاحب صلاحیت نفتی که میتوانند تأمین کننده دانش فنی روز، منابع مالی و خدمات مربوط

### ۳-۱ اصول حاکم بر قرارداد جدید نفتی ایران

قرارداد جدید نفتی منافات زیادی با اصول کلی حاکم بر قراردادهای نفتی ندارد و به نوعی کلیه اصول حاکم بر قراردادهای نفتی نیز در آن گنجانده شده مانند حق مالکیت و اعمال تصرفات مالکانه هرچند منتقدین این قرارداد معتقدند نقض حاکمیت ملی به دلیل اعطای اختیارات حاکمیتی وزارت نفت به طرف دوم قرارداد نیز سخن صحیحی به نظر نمیرسد در بند الف ماده ۳ شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز مصوب هیأت وزیران «اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر کلیه منابع و ذخایر نفت و گاز طبیعی کشور از طریق وزارت نفت به نمایندگی از طرف جمهوری اسلامی ایران» به عنوان یکی از اصول حاکم بر این قراردادها ذکر شده است. (خرمی، امامی، ۷)

### ۴-۱ نظر موافقان و مخالفان قراردادهای جدید نفتی

مدل سابق قراردادهای نفتی، از جنس قراردادهای بیع متقابل بودند. این قراردادها که به نوعی قراردادی با خرید خدمت محسوب میگردد، با توجه به قیمت پایین جهانی نفت و کمبود منابع داخلی شرکت ملی نفت ایران، فرصت مناسبی را برای کشور در توسعه به وجود می‌آورد. مسئولین فعلی وزارت نفت با درک مشکلات موجود قراردادهای بیع متقابل، نسل جدید قرارداد های نفتی ایران موسوم به IPC را معرفی کردند که از نظر محتوا، آن را می‌توان الهام گرفته از نسل جدید قراردادهای نفتی کشور عراق موسوم به قراردادهای Barrel Per Fee دانست؛ قراردادهایی که در سال‌های اخیر توانستند شرکت‌های بین‌المللی نفتی مطرح در دنیا را برای سرمایه‌گذاری در میادین عراق جذب کنند. این قرارداد جدید دارای موافقان و مخالفان متعددی میباشد که در این بند به بررسی نظرات آنان و دلایل آن می‌پردازیم.

#### ۱-۴-۱ نظر مخالفان الگوی جدید نفتی

محرمانه ماندن بخشهایی از مفاد قرارداد: عقل جمعی فقط محدود به وزارت نفت نبوده و اگر مدیران کنونی وزارت نفت مدعی شفافیت هستند نباید از در اختیار گذاردن قراردادهای نفتی به نهادهای مذکور ابایی داشته باشند. متأسفانه جزئیات این قرارداد را عده‌ای محدود می‌دانند و بعد از مدتی مسئولان وزارت نفت از آن رو‌نمایی می‌کنند و به مردم وعده می‌دهند که انشاءالله مشکلات درست می‌شود، در حالی واقعیت چیز دیگری است. از طرف دیگر متن فارسی قراردادهای جدید نفتی که مورد تصویب دولت قرار گرفته با متنی که به شرکتهای خارجی داده شده و نسخه انگلیسی آن است تناقض‌های زیادی دارد که قابل تامل است. لذا به چه علت قراردادهای نفتی محرمانه تلقی شده است و مهندسان و کارشناسان و صاحبان نظران نفتی، اقتصادی و مدیریتی اجازه ندارند که با تضارب آرا بتوانند کاستیهای قراردادهای نفتی را قبل از انعقاد، تبیین نمایند. ابهام در تحقق تولید صیانتی با وجود بلندمدت بودن قرارداد: محاسبه‌ی حجم سرمایه‌گذاری و میزان بازپردات موید این موضوع است که بازگشت سرمایه‌های هزینه‌ای و پشتیبانی، به سرعت و طی سه الی چهار سال از شروع تولید اقتصادی از میدان اتفاق می‌افتد و این احتمال می‌رود که پیمانکار در دوره‌ی ازدیاد برداشت از میدان، انگیزه‌ی

چندانی برای سرمایه گذاری نداشته باشد. و پرداخت مبالغ سنگینی به پیمانکار برای ایجاد انگیزه در وی جهت بکارگیری فناوریهای پیشرفته و رعایت موازین تولید صیانتی توجیه منطقی ندارد.

مغایرت با قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴: نظر به اینکه در IPC بهره برداری نیز به بخش خصوصی داخلی و خارجی واگذار می شود، ابهامی قانونی وجود دارد؛ چراکه واگذاری این فعالیت ها به بخش خصوصی منع قانونی دارد اما میتوان به شرط حفظ مالکیت، در این حوزه نیز خرید خدمت توسط دولت صورت گیرد. این خرید خدمت مشروط به حفظ سرمایه گذاری، مالکیت و مدیریت این فعالیتها برای دولت است. مصوبه هیات دولت در خصوص الگوی جدید قراردادهای نفتی، تحقق این شرط را غیر ممکن می کند. این بند تصریح می کند که نظارت بر کلیه عملیات طرح در طول قرارداد با کمیته مشترک مدیریت می باشد و این کمیته تصمیمات نهایی فنی، مالی و حقوقی در چارچوب قرارداد را اتخاذ می کند که خلاف قانون اجرای اصل ۴۴ می باشد و بر اساس قانون اساسی بالادست نفت و گاز نباید در اختیار بخش خصوصی باشد. اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر تحقق افزایش مشارکت مردمی و رقابت از طریق ایجاد فرصت برای بخش خصوصی است که در این مورد اگر به سرمایه خارجی تکیه شود و تمایل بیشتر به سمت عقد قرار داد با شرکت ها و کشورهای بیگانه باشد اصل ۴۴ قانون اساسی زیر سوال خواهد رفت. این قراردادها اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی را در مورد ممنوعیت ورود بخش خصوصی به بخش بالادستی و مالکیت تولیدی نقض می کند. طبق اصل ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی دولت نمی تواند مخازن و منابع زیرزمینی را در اختیار بیگانگان قرار دهد و آنها مالک شوند. اگرچه مالکیت تفویض نمی گردد ولی به سرمایه گذار خارجی اجازه دهد که تصمیمات مالکانه، مغایر منافع کشور بگیرد. لذا اگرچه مالکیت مخازن با دولت است اما مشارکت شرکتهای خارجی به گونهای است که تصمیمگیری در مورد مخازن به عهده کمیتهای گذاشته شده که میتواند در امور مخازن دخالت کرده و رفتارهای مالکانهای داشته باشند.

#### ۱-۴-۲ نظر موافقان الگوی جدید نفتی

بلندمدت بودن دوره قرارداد و نگاه بلند مدت به میدان: از آن جا که IPC قراردادی بلند مدت است که شامل دوره ی توسعه و تولید می شود و همچنین پاداش تولید به ازای تولید هر بشکه پرداخت می گردد، نگاه پیمانکار به مخزن، نگاهی بلند مدت است. افزایش ضریب بازیافت از مخازن و جلوگیری از افت تولید بیش از پیش: به صرفه بودن سرمایه گذاری، از مهمترین جاذبه های حضور شرکت های خارجی در ایران است. در قراردادهای تازه صنعت نفت، امکان بهره برداری از روش های جدید به منظور افزایش ضریب بازیافت از مخازن و جلوگیری از افت تولید بیش از پیش فراهم میشود. وابستگی پرداخت حق الزحمه پیمانکار به میزان تولید از میدان: در IPC حق الزحمه پیمانکار به میزان تولید وابسته بوده و به ازای تولید هر بشکه نفت یا هر متر مکعب گاز پرداخت می گردد. در نتیجه، بر خلاف بیع متقابل که حق الزحمه بر اساس هزینه های سرمایه ای است و پیمانکار را به افزایش هزینه ها ترغیب می کند، IPC میزان حق الزحمه را به میزان تولید وابسته می کند.

انعطاف پذیری بالای قرارداد: در این قراردادها سقفی برای هزینه های سرمایه ای در نظر گرفته نشده و پیمانکار متناسب با نیاز میدان، در میدان هزینه می کند و میزان هزینه های مورد نیاز، به صورت سالانه به کمیته ی مشترک مدیریت پیشنهاد و به تصویب می رسد. شکوفایی صنعت نفت و ورود به بازارهای جهانی: حضور شخص وزیر و مدیران ارشد وزارت نفت در این رویداد فرصتی را فراهم می کند تا محیط سینرژیکی بین بخش خصوصی و دولتی بوجود آید و با کم رنگ شدن تحریم ها، نقش آفرینی های تازه ای در بازار نفت جهان ذیل این قرارداد به وجود می آید.

#### ۱-۲ قرارداد نفتی به روش پرو و اندونزی

روش پرو در این روش تمامی رژیم مالی پس از تولید، یک مرحلهای است و بر این اساس برای استهلاک هزینه ها و جبران سود و ریسک، سهم مشخصی (۵۰ درصد) از کل تولید به پیمانکار پرداخت میشود. به دلیل عدم لحاظ قیمت نفت در سهم پرداختی (از دیدگاه دولتها) و همچنین عدم تأثیر نتایج اقتصادی پروژه در سهم دولت (از دیدگاه شرکتهای)، این روش فراگیر نشد.

روش اندونزی) این روش چندمرحلهای است و طی چند مرحله، هزینه ها مستهلک، نفت باقی مانده تسهیم و مالیات پرداخت میشود. امروزه روش اندونزی فراگیر شده است. روش اندونزی شامل چهار مرحله است:

**الف) مرحله ی نخست:** که فراگیر نبوده و در برخی مدل های آسیایی وجود ندارد. در این مرحله ابتدا سهمی از نفت تولیدی (۲۰ سهم تخصیصی درصد) کسر میشود. عموماً به عنوان بهره ای مالکانه به دولت اختصاص داده میشود با این حال در ۱۹۹۳ برای نخستین بار روشی در اندونزی بهکار رفت که بر اساس آن سهمی ۲۰ درصدی با عنوان تسهیم ابتدایی نفت بر اساس نرخ از پیش تعیین شده، بین دولت و شرکت نفتی تقسیم میشود. این تقسیم قبل از استهلاک هزینه بوده و نوعی بهره ای مالکانه در سهم دولت است. تسهیم اولیه، مشوقی برای کاهش ریسک پیمانکار است.

ب) **مرحله ی دوم:** استهالک هزینه است که مهمترین بخش قرارداد مشارکت در تولید بوده و سهم به سزایی در جذابیت آن دارد. در این مرحله تمامی هزینههای مربوط به عملیات پروژه، هزینه های قبل از قرارداد و پرداختهای به دولت (در صورت قابلاسترداد بودن) مستهلک میشود در این مرحله سهمی از نفت تولیدی نام دارد برای استهالک هزینه که نفت هزینه تخصیص مییابد. سقف نفت هزینه متغیر است به عبارت دیگر در برخی قراردادهای منظور تشویق پیمانکار و کاهش ریسک او، تمامی نفت تولیدی به عنوان نفت هزینه تخصیص مییابد. این در حالی است که در برخی نمونههای دیگر، سهم نفت هزینه، بخشی از نفت تولیدی (مثال ۴۰ درصد) است. یکی از مسائل مطرح در قرارداد مشارکت در تولید، تعیین قیمت نفت هزینه برای استهالک هزینه است. اگر قیمت اعالمی، بیشتر از بازارهای هدف باشد استهالک با شکست روبرو میشود. امروزه برای تعیین قیمت نفت هزینه، از قیمت فوب بازارهای بین المللی معمول استفاده میشود.

ج) **مرحله ی سوم:** تقسیم منافع است که پس از کسر پرداختهای مراحل اول و دوم، نامیده میشود نفت باقیمانده که سود نفت بر اساس نرخ از پیش تعیین شده بین طرفین تقسیم میگردد. برای تقسیم منافع دو سیستم وجود دارد. سیستم نخست تقسیم بر اساس نرخ مقطوع است. برای نمونه در مدل‌های اندونزی منافع به نسبت ۸۵ و ۱۵ درصد میان دولت و شرکت تقسیم میشود. سیستم دوم تقسیم بر اساس نرخ شناور است. در برخی مدلها با تغییر مقدار تولید، سهم ها نیز تغییر میکنند برای مثال در برخی مدلها آمده که برای ۲۰ هزار بشکه، نسبت تقسیم ۶۰ و ۴۰ درصد است. با افزایش تولید به ۶۰ درصد، نسبت تقسیم، ۷۰ و ۳۰ هزار بشکه خواهد بود

د) **مرحله ی چهارم:** مالیات است که در مدل‌های اولیه مشارکت در تولید مطرح نبود و از سهم شرکت دولتی پرداخت میشد (جانسون، ۱۹۹۴). در مدل‌های جدیدتر مالیات بر سود شرکت در نظر گرفته عمدتاً شده است. البته در برخی مدل‌های نیجریه مالیات بر سود نفت در نظر گرفته شده بود. در این مدلها پس از استهالک هزینه و قبل از تسهیم منافع، سهمی از نفت (مثال ۲۰ درصد) به عنوان مالیات کسر میشود. در این مدلها مالیات بر سود شرکت مطرح نبود. (امین زاده، آقابابا، ۱۳۹۳، ۳۵)

## ۲-۲ ویژگیها و مشخصات قراردادهای خدماتی عراق

اگرچه قراردادهای خدمت منعقد شده توسط دولت عراق با یکدیگر متفاوتند اما رژیم مالی و شرایط کلی آنها تقریباً از نظام مشخصی تبعیت میکند. مشخصات کلی قراردادهای خدماتی این کشور به شرح زیر است:

قرارداد بین یک شرکت عراقی متعلق به دولت و کنسرسیومی از شرکتهای نفتی بین المللی (که جمعاً پیمانکار نامیده میشوند) منعقد میگردد. یکی از شرکتهای دولتی عراق در کنسرسیوم پیمانکار ۲۵ درصد سهم دارد.

طی دوره ی ۲۰ ساله ی قرارداد، پیمانکار برای تولید بهینه و افزایش ضریب ازدیادبرداشت میدان، خدمات فنی و تخصصی و فناوریهای نوین ارائه میکند. پیمانکار همه ی سرمایه و منابع مالی مورد نیاز پروژه را تأمین کرده و در ازای منابع و خدمات ارائه شده مبلغی را به عنوان حق الزحمه ی خدمت دریافت میکند. این مبلغ شامل بازپرداخت هزینه ها و پاداش بهازای هر بشکه است. وجوه نقدی مربوط به حق الزحمه ی خدمت، قابلیت تبدیل به بشکه نفت و تسویه فیزیکی را دارد.

## نتیجه گیری

اصولاً هیچ قراردادی به خودی خود، خوب یا بد نیست، بلکه «نوع یک قرارداد نفتی فقط نشانگر چارچوب و پیمانهای می باشد بمنظور تقسیم منافع که از یک همکاری ایجاد شده بدست می آید، این همکاری سندی دارد که به آن «قرارداد» می گویند پس در این صورت، اینکه چه نوع قراردادی تحت چه شرایطی بتواند منافع هر یک از طرفین قرارداد را تأمین کند و به بیان دیگر این واقعیت که ظرف قرارداد با چه مظروفی پر خواهد شد به عوامل متعددی بستگی دارد»، در نتیجه قرارداد محصول این عوامل متعدد می باشد. شرکتهای نفتی و کشورهای میزبان با توجه به شرایط متفاوت به انعقاد یکی از این انواع متفاوت قرارداد علاقه مندی نشان می دهند، اما گرایش به عقد «این» یا «آن نوع قرارداد» لزوماً به معنای بهترین نوع انتخاب شده، نمی باشد. در قراردادهای خدمات فنی عراق در اکثر موارد و شرایط قراردادی، اهداف دولت و سود سرمایه گذاران غیرهمسو می باشد. این در حالی است که در قراردادهای مشارکت در تولید کردستان، رژیم مالی قرارداد بسیار منعطف بوده و منافع اقتصادی مورد انتظار دولت و سرمایه گذار را همزمان تأمین میکند. در این قراردادهای، سرمایه گذار انگیزه ی کافی برای اکتشاف میداین کوچک و بزرگ، میداین کم هزینه یا پرهزینه، کاهش هزینه های عملیاتی، دستیابی به بازیافت، همچنین به نظر میرسد لازم است قانون نفت ایران با لحاظ داشتن کلیه عوامل پیرامونی صنعت نفت و تجارب بین المللی و داخلی نگارش شود و کلیه قوانین و مقررات بنیادی که بصورت پراکنده در قوانین و مقررات مختلف در رابطه با صنعت نفت وضع گردیده در این قانون متمرکز شود. کهنگی اساسنامه صنعت نفت و عدم تصویب قوانین جامع و پیشرو و برخوردار نبودن واحدهای تابعه صنعت نفت از نظامهای قانونمند مستقل مالی و

مدیریتی و تمرکز شدید در این صنعت و عدم شفافیت در اطلاع رسانی در خصوص چگونگی انعقاد قراردادهای نفت، گاز، پتروشیمی یکی از مهمترین چالشهای فراروی صنعت نفت ایران است. فقدان قوانینی که شفافیت هزینه ها و اطلاع رسانی در این خصوص را به طور صریح الزامی کند و نیز نبود نظام قانونمند در ارائه خدمات و نیز محاسبه سود و زیان منجر به کاهش تولید نفت و گاز در برخی حوزه ها و افزایش ضایعات این فرآوردهها به دلیل عدم بهره گیری از فن آوریهای پیشرفته و محدودیت های قانونی موجود نیز مزید بر علت است. دیوان سالاری موجود و تاثیر گذاری جریانات موازی و چند صدایی در تصمیم گیریهای کلان و فقدان نظام قانونمند نظارت بر عملکرد صحیح صنعت نفت کشور و کمبود زمینه های مناسب برای اعمال عدم تمرکز در تصمیم گیریها و اقتصادی نمودن فعالیتها از مشکلات دیگر صنعت نفت کشور است که باید مرتفع گردد.

### تقدیر و تشکر

بدینوسیله از حمایت مالی شرکت پالیاسش گاز ایلام در انجام این تحقیق کمال تشکر و قدردانی را داریم.

### منابع

- اخوی، احمد، «تجارت بین الملل، استراتژی بازرگانی و توسعه اقتصادی»، ناشر مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران ۱۳۷۳.
- آقازاده، غلامرضا، «نفت و خلیج فارس»، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۶۸، صفحات ۶۶-۵۰.
- امین زاده، الهام، آقابابا دهکردی، پیمان، ساختار مالی قراردادهای مشارکت در تولید؛ مطالعه موردی در اندونزی و پرو، مجله علمی ترویجی اکتشافات و تولید نفت و گاز، شماره ۱۱۶، سال ۱۳۹۳.
- تاریخچه و متن قراردادهای مربوط به نفت ایران»، کتاب سفید، انتشارات شرکت ملی نفت ایران، تهران، ۱۳۴۴.
- الجبیر الصباح، سالم، «امارات، خلیج فارس و مسئله نفت»، ترجمه علی بیگدلی، انتشارات میراث ملل، تهران، ۱۳۶۸.
- چرچیل، رابین و آلن لو، «حقوق بین الملل دریاها»، ترجمه بهمن آقایی، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۶۷.
- خرمی، حامد، امامی، سید محمدحسین، واکاوی نظرات و اشکالات وارده به قراردادهای جدید نفتی، ماهنامه علمی ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۳۶ خلعت بری، فیروزه، «اقتصاد نفت»، انتشارات دانشگاهی، ۱۳۶۷.
- رحمانی، فریده، (۱۳۷۹)، " جلب سرمایه گذاری مستقیم خارجی "، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹
- رحمانی، فریده، (۱۳۷۹)، " جلب سرمایه گذاری مستقیم خارجی "، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹
- حاتمی، علی، اسماعیلی، کریمیان، (۱۳۹۳) حقوق سرمایه گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه گذاری، تهران، انتشارات تیسرا شبروی، عبدالحسین، (۱۳۹۵)، حقوق نفت و گاز، تهران، انتشارات میزان

Anand, P.P. "New States and International Law" (Delhi: vikas, ۱۹۷۲).

Fox, Hazel e.t. "Joint Development of Offshore Oil and Gas a Model Agreement for States for Joint Development with Explanatory Commentary" (British Institute of International and Comparative Law, London, ۱۹۹۰).

Socar Co, "Azerbaijan the Next Big Oil Play", Published and distributed by Financial Times Energy publishing, Tottenham

A. Pertuzio & H. Leuch & C. Duval & K. B(۱۹۸۶) "Agreement Exploitation & Exploration Petroleumt .Pub Company Barrows, USA